

شهادت و موانع و تأثیر آن

تفاوت طبقه بندی قرابت در مورد ارث و شهادت

علی الاصول و برحسب ماده ۲۵۷ قانون مدنی ماده ۳۵۶ قانون آئین دادرسی مدنی هر کس مدعی حقی باشد بایستی آنرا اثبات کند و یکی از دلایل پنج گانه اثبات دعوی شهادت است.

شهادت از موضوعات بسیار مهم و قابل بحث است و اضافه بر موارد مندرج در قانون مدنی و آئین دادرسی که ذیلاً بدان اشاره خواهد شد شاهد بایستی واجد شرایطی باشد که لطیف تر و دقیق تر از موارد مزبور است.

گواه بایستی عادل متقی راستگو و دقیق باشد و کلیه مشاهدات و اطلاعات خود را بیان نماید و حتی الامکان مصون از اشتباه باشد.

اشتباه گواه خود بحث جداگانه و مفصلی است که در حقوق سایر ملل راجع بدان بحث فراوانی شده و فعلاً مجال تشریح آن نیست و این شرایط پس از اطمینان از اینکه شاهد خریداری نشده یا تبانی نکرده و اعمال دوستی و دشمنی ننماید معتبر خواهد بود.

بخاطر دارم در سال ۱۳۳۷ در خصوص دادخواهی کسی برای تصحیح شناسنامه اش یکی از گواهان تعرفه شده از ناحیه خواهان پس از اتیان سوگند اظهار داشت.

پدر این شخص در خرداد سال ۱۳۰۱ بمناسبت شغلم که قصابی است از من گوشت خرید و چون مقداری زیادتر از هر روز گرفت علت را پرسیدم پاسخ داد خداوند بمن پسری داده که اسمش را مثلاً حسن گذاشته ام و به این مناسبت قصد دادن مهمانی دارم لذا حسن در سال ۱۳۰۱ متولد شده است این قبیل شهادت که اظهارکننده آن قادر نیست وقایع یکهفته قبل را بخاطر بیاورد ولی جزئیات ۳۶ سال قبل را بیاد می آورد مبنی بر تبانی و مؤدای آن که خلاف واقع میباشد خارج از حدود بحث ما است.

در مورد شهادت گاهی اصولاً شهادت اشخاص استماع نمیشود و این اشخاص کسانی هستند که مطابق قانون مدنی اهلیت اداء گواهی نداشته باشند و بر وفق ماده ۱۳۱۳ قانون مذکور شهادت اشخاص زیر پذیرفته نمیشود.

- ۱ - محکومین به مجازات جنائی .
- ۲ - محکومین به اسر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد.
- ۳ - اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.
- ۴ - اشخاص معروف به فساد اخلاق .

شهادت و موانع و تأثیر آن

۵ - کسیکه نفع شخصی در دعوی داشته باشد .

۶ - شهادت در حال دیوانگی .

۷ - شهادت اطفالی که به سن پانزده سال تمام نرسیده باشند (ماده واحده مصوب

۱۳ شهریور ۱۳۱۲ مقرر داشته کسانیکه به سن هیجده سال شمسی تمام نرسیده اند غیر رشید شناخته میشوند) .

اضافه بر موارد بالا جهاتی برای جرح گواه در ماده ۱۳۴ قانون آئین دادرسی مدنی ذکر شده که عبارت از قرابت و سمت خادم و مخدومی و وجود دعوی مدنی یا جزائی بین شاهد و یکی از اصحاب دعوی .

قسمت اول از ماده فوق الاشعار که در مقام جواز جرح گواه بیان شده قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم بین گواه و یکی از اصحاب دعوی میباشد و ماده ۸۶۲ قانون مدنی اشخاصی را که بموجب نسبت ارث میبرند به طبقات مختلفه تقسیم کرده و قرابت را بدین گونه توصیف نموده است .

طبقه اول پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد .

طبقه دوم اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها .

طبقه سوم اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها .

اگرچه طبقات مذکور تا اندازه‌ای با در نظر گرفتن درجه قرابت تعیین شده ولی بین طبقات مختلفه وراثت و درجات مختلفه قرابت تفاوت بین و اختلافات زیادی وجود دارد .

با ملاحظه ماده ۲۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی بر اینکه اگر دادرسی با یکی از اصحاب دعوی قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد باید از رسیدگی امتناع نماید و اصحاب دعوی نیز میتوانند او را رد کنند .

جهات رد کارشناسان که بموجب ماده ۴۴۶ قانون ما را لذكر همان جهات رد دادرسان است و نیز ماده ۶۴۵ قانون مذکور که مقرر داشته : اشخاصی که بایکی از اصحاب دعوی قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند نبایستی به قید قرعه بسمت داور مشترك تعیین شوند مگر بتراضی طرفین و موارد دیگری که ذکر آن باعث تطویل است بایستی توجه و بررسی کاملی نموده تاروشن شود مقصود از درجه قرابت در قوانین موجود چیست و درجه آن چگونه و به چه کیفیت تعیین میشود .

در خصوص جرح گواه و سایر موارد میزان بستگی و قرابت و تکلیف و حقوق اصحاب دعوی رد و جرح دادرس و کارشناس و داور و گواه معلوم گردد .

ماده ۶۸۱ قانون مدنی موجب ارث را که قرابت باشد دوا مر معین نموده است
نسب و سبب و قرابت نسبی چنین تعریف شده است :

« رابطه‌ای که بموجب آن اشخاص متعدد که از نسل یکدیگر میباشند و یا از نسل

شخص واحد میباشند یکدیگر متصل میگردند » لذا قرابت نسبی بر دو قسم است

۱ - قرابت مستقیم که عبارتست از رابطه اشخاص که از نسل یکدیگر میباشند

مانند پدر و پسر و یاجد و نواده اش .

شهادت و موانع و تأثیر آن

۲ - قرابت در خط اطراف که عبارتست از رابطه کسانی که از نسل یک نفر میباشند و بوسیله جامع نسب بیکدیگر متصل میگرددند مثل دوبرادر و پسرعموها و قرابت نوع اول (مستقیم) صعودی یا نزولی است و هر نسل تشکیل یک درجه میدهد.

پس قرابت یک نفر با پدرش قرابت درجه اول صعودی و بانواده اش قرابت درجه دوم نزولی خواهد بود. ولی برای تشخیص درجه قرابت در خط اطراف باید از شخص مورد نظر صعود نموده به جامع نسب رسید و از جامع نسب به شخصی که درجه قرابت با وی منظور است نزول کرد.

عده نسلهای موجود در این صعود و نزول عده درجه قرابت خواهد بود بنابراین قرابت بین دو خواهر درجه دوم و قرابت بین دودخترعمو درجه چهارم میباشد.

در خصوص قرابت سببی ماده ۱۰۳۳ قانون مدنی مقرر داشته است :

« هر کس در هر خط و به هر درجه که بایک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و بهان درجه قرابت سببی با زوج یا زوجه او خواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن یک مرد اقربای سببی درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن از اقربای سببی درجه دوم آن زن خواهند بود .

موضوع مهم و قابل توجه این است که از تفسیق ماده ۴۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی و مواد ۸۶۲ و ۱۰۳۱ قانون مدنی و صراحت ماده ۱۰۳۲ قانون اخیر الذکر که اشعار دارد در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر وجد و جد و جده در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر وجد و جد و جده در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود چنین بنظر میرسد که شهادت خواهرزاده یا پسر برادر که در درجه دوم از طبقه دوم میباشد قابل استماع و مصون از جرح است.

در صورتیکه شهادت عمو یا دایی که در طبقه سوم قرابت قرار دارند مورد جرح و غیر معتبر شناخته شده است این تناقض و اختلاف فاحش مورد اعجاب و دور از شأن قانونگذار میباشد و عقلائی و صحیح نخواهد بود که برادرزاده بتواند برای عموی خود شهادت بدهد ولی عمو از اداء گواهی برای برادرزاده خود ممنوع باشد.

در این مورد غالباً قضات گرفتار تردید و اشکال میشوند بنظر این جانب موضوع با این توضیح قابل حل و تفسیر زیر رافع ابهام و اشکال است که : در مورد شهادت قرابت موجب رد است و ملاک دیگری برای تعیین قرابت جز قانون مدنی نداریم در صورتیکه طبقه بندی قانون مدنی همانطور که در ماده ۸۶۲ تصریح شده برای ارث است نه برای شهادت.

لذا معتقدیم که برخلاف ظاهر ماده ۱۰۳۲ قانون مدنی برادرزاده و خواهرزاده نیز مشمول بنداول ماده ۴۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی بوده و قابل جرح میباشد و نمیتوان آنها را ملزم بگواهی نمود و هر گاه برای اظهار اطلاع حاضر شوند بدون احتیاج به سوگند و فقط برای مزید اطلاع اظهاراتشان استماع میگردد.

شهادت و مواع و تأثیر آن

و در صورتیکه همکاران محترم نظری بر خلاف این عقیده داشته باشند تقاضی میکنم مستنداً مرقوم و اعلام فرمایند تا موضوع روشن و از اجمال و ابهام خارج شود.

عمل دادگاهها در اعتبار و تأثیر شهادت اقامه لا اقل چهار نفر گواه میباشد در صورتیکه جز ماده ۲۳ قانون اعسار که شهادت کتبی لا اقل چهار نفر را لازم دانسته است ملاک و مدرک دیگری در قوانین مدون وجود ندارد اگر چه گواهی گواه بر وفق مواد مصوبه مرداد ۱۳۰۸ مربوط به شهادت و امارات و مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ قانون مدنی در مورد اثبات عقود و ایقاعات و تعهدات و برائت ذمه و فسخ و اقاله و ابراء و دعوی مخالف بامفاد سند رسمی مؤثر و معتبر شناخته نشده و به تنهایی قابل عنایت و ترتیب اثر نمیباشد.

ولی در سایر موارد از قبیل رسیدگی به اعتبار سند و هنگامی که برای تقویت و تکمیل دلیل باشد و یا در مواقعی که بواسطه حوادث قهری گرفتن سند ممکن نیست و نسبت به تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمیشد و ضمان قهری و اسور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد.

نیز وصیت در مورد انطباق با ماده ۲۸۳ قانون اسور حسبی گواهی از ارکان مشته دعوی و دارای تأثیر کلی و مؤثر در تشخیص و اثبات حق و روشن شدن موضوع دعوی میباشد و بایستی دقیقاً بدان توجه نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی